

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 248

Chamber One

پرونده شماره ۲۴۸

شعبه یک

۵۰۹ - ۲۴۸ - ۱

حکم شماره

248-270

IRAN-UNITED STATES
CLAIMS TRIBUNALدیوان داوری دعوی
ایران - ایالات متحده

FILED

ثبت شد

DATE

1 MAY 1981

تاریخ ۱۳۷۰ / ۲ / ۱۱

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحده

DUPLICATE
ORIGINAL
«نسخه برابر اصل»

روی پی. آم. کارلسون،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

گروه صنعتی ملی،

خواندگان.

حکم

حاضران :

از جانب خواهان:

آقای لارنس دبلیو. نیومن،

آقای دیوید زاسلوسکی،

آقای مانوئل تی هانکی،

آقای حمید صبی،

وکلای خواهان

آقای روی بی. ام. کارلسون، خواهان

آقای یو. آر. اس. دیتریش، نماینده،

کارشناس در حقوق سویس

دکتر لوئیز ارتمن،

آقای اشرف خان،

آقای کریستوفر راینهارت،

آقای پیتر نستی،

آقای اسدالله عماری،

آقای باقر حاتمی،

آقای دیوید اشتون،

گواهان.

از جانب خواندگان:

آقای علی حیرانی نوبری،

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

دکتر علی اکبر ریاضی،

مشاور حقوقی نماینده رابطه،

آقای محمد زاهدین - لباف،

دستیار حقوقی،

آقای مهدی میرشفیعیان،

وکیل سازمان صنایع ملی ایران،
آقای نجم‌هاشمی فشارکی،
آقای خیام داداش زاده،
نمایندگان سازمان صنایع ملی ایران،
آقای محمد ایثاری،
آقای منوچهر پویا،
آقای غلامرضا سلامی،
کارشناسان سازمان صنایع ملی ایران،
آقای عبدالله محلاتی کاظمینی،
کارشناس،
دکتر ولگانگ پستر، نماینده،
کارشناس در حقوق سویس،
آقای استینمان،
نماینده.

سایر حاضران:
خانم لوسی اف. رید،
نامزد نمایندگی رابط دولت ایالات متحده آمریکا،
آقای مایکل اف. رابین،
قایم مقام نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا.

فهرست مندرجات

صفحه

۵

اول - مقدمه

۶

دوم - واقعیات و اظهارات

۲۲

سوم - اسباب موجبه حکم

۲۲

الف - صلاحیت

۲۴

ب - ماهیت

۲۴

الف) ادعای مستقیم

۳۱

ب) ادعای غیر مستقیم

۳۷

ج - هزینه‌ها

۳۸

چهارم - حکم

اول - مقدمه

۱ - خواهان، روی بی. آم. کارلسون ("کارلسون") بابت اقدامات غیر قانونی ادعایی خواندگان، دولت جمهوری اسلامی ایران و گروه صنعتی ملی ("گروه صنعتی") در مصادره علائق مالکانه وی در چند شرکت ایرانی که همگی متعلق به شرکتهای گروه صنعتی بوده‌اند، ادعای خسارت می‌کند. کارلسون، به ویژه بابت مصادره ادعایی ده درصد سهام در گروه صنعتی و تعدادی سهام دیگر در شرکتهای ایرانی وابسته به گروه صنعتی که به نام یک شرکت تاسیس شده در سویس موسوم به نورت وست اینوستمنت کورپوریشن زوریخ ("نورت وست" (زوریخ)) نگهداری می‌شده و نیز بابت مصادره ادعایی ده درصد دیگر از سهام گروه صنعتی که به نام یک شرکت تاسیس شده در انگلستان موسوم به گرافتون اکسپورت کامپنی لیمیتد ("گرافتون") نگهداری می‌شود، مطالبه خسارت می‌کند.(۱) خواندگان ادعاهای خواهان را رد می‌کنند. به علاوه، گروه صنعتی ۹ فقره ادعای متقابل اقامه کرده است. در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳ [۱۹۸۴ مه ۱۸] جلسه استماع مقدماتی و در روزهای ۸ - ۱۰ آبانماه ۱۳۶۸ [۱۹۸۹ نوامبر اول] جلسه استماع برگزار شد.

۲ - بعد از جلسه استماع، خواهان در تاریخ سوم اسفندماه ۱۳۶۸ [۱۹۹۰ فوریه ۲۲] اطلاعیه جرجی نزد مقام منصب کننده ثبت و ادعا کرد که آقای نوری نمی‌تواند به

(۱) کارلسون مدعی است که وی از طریق نورت وست و گرافتون مالک تعداد ۶۰۰،۰۰۰ سهم در گروه صنعتی، ۱۸۵۴ سهم در شرکت یونایتد کمیکال ایران، ۲۴۶ سهم در شرکت نگارستان، ۹۷ سهم در شرکت سانترال گومی ایران، ۱۹۷ سهم در شرکت کفش استاندارد، ۹۶ سهم در شرکت چکمه ملی، ۹۷ سهم در شرکت ماشین سازی و مهندسی ملی، ۳۱۷ سهم در شرکت کفش صنعتی ایران، ۲۹۶ سهم در شرکت کفش یونایتد و ۹۷ سهم در شرکت کانوچوک ملی بوده است.

عنوان داور در این پرونده انجام وظیفه نماید زیرا روابط قبلی اش با سازمان صنایع ملی ایران تردیدهای موجبه را نسبت به بیطرفى و استقلال وی ایجاد می‌کند. پس از ثبت لوایح توجیهی طرفین در این مورد نزد مقام منصوب کننده و نیز پس از توضیحات آقای نوری، مقام منصوب کننده در تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۶۹ [۳۱] اوت ۱۹۹۰] ادعای جرح را "بی اساس" دانسته آن را رد کرد.

دوم - واقعیات و اظهارات

۳ - کارلسون، که تبعه ایالات متحده است از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵ در استخدام بانک آو امریکا بود. در سال ۱۹۷۴ کارلسون به عنوان رئیس شعبه جدیدالتاسیس بانک آو امریکا در بیروت منصوب گردید. کارلسون، حسب ادعا در این سمت با آقای رحیم متقی ایروانی اهل تهران که از مشتریان مهم بانک بود آشنا شد. کارلسون اظهار می‌دارد که آقای ایروانی چندین بار از وی دعوت کرد به گروه صنعتی پیوندد تا هم توسعه شرکت و هم بازسازی مالی آن را رهبری کند. وی می‌گوید که به لحاظ حقوق و مزایایی که به عنوان یکی از مدیران اجرایی بانک آو امریکا داشت در ابتدا این پیشنهاد را رد کرد. لیکن در سال ۱۹۷۵، هنگامی که وضع سیاسی در بیروت رو به خامت گذارد، کارلسون تصمیم گرفت پیشنهاد ایروانی را به صورت جدی تر بررسی نماید. در ژوئیه ۱۹۷۵ جلسه ملاقاتی بین کارلسون، ایروانی و دکتر لوتار ارتمان سرمایه‌دار آلمانی که نقش قابل ملاحظه‌ای در فعالیتهای تجاری آقای ایروانی داشت، ترتیب داده شد. در این جلسه، آقای ایروانی و دکتر ارتمان پیشنهاد زیر را به کارلسون ارائه کردند. کارلسون جایگزین آقای ایروانی به عنوان مدیرعامل گروه صنعتی، یعنی شرکت مادر گروه ملی شود و سالانه مبلغ دو میلیون ریال

(حدود ۲۹،۰۰۰ دلار) (۲) حقوق دریافت کند. علاوه بر این، وی حق داشت از مسکن مناسب، اتومبیل و راننده و سایر مزایای معمول استفاده نماید. بنا به اظهار کارلسون، مهمترین جزء مزایای وی این بود که می‌توانست تا مبلغ ده میلیون دلار در سهام شرکتهای مربوط به آقای ایروانی از جمله تا بیست درصد سهام گروه صنعتی سرمایه‌گذاری نموده این سهام را به بهای اسمی، و نه به قیمت بازار، خریداری کند. کارلسون اظهار می‌دارد که چون امکانات شخصی برای ۱۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری نداشت، دکتر ارتمان موافقت کرد مبلغ ۱۰ میلیون دلار وام بدون بهره به منظور خرید سهام در اختیار وی قرار دهد. کارلسون می‌گوید که وی در نظر داشت این وام را با فروش تمام یا بخشی از سهام و تحصیل سود قابل ملاحظه بازپرداخت نماید. کارلسون مدعی است که توافق شد وی، به جای پرداخت بهره وام ده میلیون دلاری، متعهد شود که چهل و پنج درصد از عواید سرمایه‌گذاری خود را به دکتر ارتمان بپردازد. تضمین‌نامه‌هایی که گروه صنعتی را متعهد به بازخرید سهام به قیمت اسمی می‌کرد بخش بسیار مهمی از این ترتیبات بود. هدف از موافقتنامه‌های بازخرید سهام این بود که ریسک عدم توانایی کارلسون در بازپرداخت وام از بین بود و بدانوسیله هم منافع کارلسون و هم منافع وام دهنده‌کانی که اعتبار (وام) ده میلیون دلاری را می‌دادند مورد حمایت قرار گیرد. کارلسون می‌گوید که پس از بررسی موضوع با خانواده خود، این پیشنهاد را پذیرفت و قبول کرد که از اوت ۱۹۷۵ سمت جدید خود به عنوان مدیرعامل گروه صنعتی را به عهده بگیرد.

۲ - کارلسون اظهار می‌دارد که ترتیبات بین ارتمان، ایروانی و خود وی برمبنای اعتماد و اطمینان بود و هیچگونه قراردادی به امضا نرسید. کارلسون ادعا می‌کند که دکتر

(۲) کلیه مبالغ دلاری مذکور در این حکم به دلار امریکاست.

ارتمان و گروه وام دهندهان او اعتباری به مبلغ ده میلیون دلار جهت خرید سهام از آقای ایروانی در گروه صنعتی و شرکتهای وابسته، در اختیار وی قرار دادند. دکتر ارتمان طبق تعليمات آقای ایروانی وجه را مستقیماً در اختیار وی قرار می‌داد و سپس آقای ایروانی ترتیب انتقال سهام را به کارلسون فراهم می‌آورد. قرار بود مقدمتاً بیست درصد از سهام صادر شده در گروه صنعتی یعنی معادل ۱۶۰،۰۰۰ سهم به کارلسون اختصاص یابد، که این کار مستلزم صرف حدود ۲/۳ میلیون دلار از اعتبار بود.

۵ - کارلسون می‌گوید آقای ایروانی به وی اطلاع داد برای اینکه گروه صنعتی ملی بتواند حائز شرایط استفاده از پاره‌ای مزایای مالیاتی ایران شود، هیچ سهامدار خارجی نمی‌تواند مالک بیش از ده درصد سهام شرکت باشد. بنابراین، آقایان ایروانی، ارتمان و کارلسون توافق کردند که کارلسون شرکتی تاسیس کند که ۸۰،۰۰۰ سهم یعنی یک دسته ده درصدی سهام را در اختیار بگیرد و گرفتون، یک شرکت دایر انگلیسی نیز ۸۰،۰۰۰ سهم دیگر را از جانب کارلسون در دست داشته باشد. بنا به اظهار کارلسون، گرفتون یک شرکت صوری بود با سرمایه‌ای به مبلغ فقط سه لیره انگلیسی. کارلسون می‌گوید که در سال ۱۹۷۷، وی کنترل گرفتون را به دست گرفت. در آن هنگام هفت سهم جدید گرفتون، هر یک به بهای یک لیره انگلیسی، برای یک شرکت سرمایه‌گذار یعنی نورت وست (зорیخ) صادر گردید.

۶ - بنا به اظهار کارلسون، تشکیل این شرکت سرمایه‌گذار تا حدی پیچیده بود. کارلسون می‌گوید که پس از مشورت با یک وکیل در لندن به نام آقای همفریز، تصمیم گرفت شرکتی در لوکزامبورگ برای نگهداری سهام در شرکتهای ایرانی تاسیس نماید. بنابراین، شرکت نورت وست کورپوریشن اس. آ. ("نورت وست (لوکزامبورگ)") در تاریخ چهارم آذرماه ۱۳۵۴ [۲۵ نوامبر ۱۹۷۵] تاسیس گردید. کارلسون مضافاً

می‌گوید که به منظور ایجاد درآمد برای کمک به تأمین هزینه‌های شرکت لوکزامبورگی، آقای ایروانی قبول کرد که برای پاره‌ای معاملات خارجی گروه صنعتی، از آن شرکت استفاده نماید. لکن، معلوم شد که به دلایل مالیاتی، استفاده از شرکت لوکزامبورگی به عنوان یک شرکت عملیاتی مناسب نیست و دکتر ارتمان به کارلسون توصیه کرد برای تاوسیس یک شرکت سویسی که هم سهام کارلسون را نگهداری کند و هم بتواند درآمدی از قبل معاملات تحصیل کند، با یک نفر حقوقدان سویسی به نام دکتر راینهارت ملاقات نماید. چنین شرکت سویسی، به نام نورت وست اینوستمنت کورپوریشن زوریخ ("نورت وست (زوریخ)") در تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۳۵۵ [دهم دسامبر ۱۹۷۶] در زوریخ به ثبت رسید. طبق شهادت‌نامه‌ای تنظیم شده به وسیله دکتر راینهارت، برای نورت وست (زوریخ) سرمایه‌ای به مبلغ ۵۰،۰۰۰ فرانک سویس تخصیص یافت و تعداد یکصد سهم بی نام صادر شد که همه غیر از پنج سهم به کارلسون تحويل گردید.

۷ - کارلسون مضافاً اظهار می‌دارد که نورت وست (زوریخ) برای گروه صنعتی در فعالیتهای متعدد شرکت کرد که منجر به درآمدی برای نورت وست (زوریخ) گردید و پاره‌ای از هزینه‌های عملیاتی آن را تأمین نمود. دکتر ارتمان مدیر نورت وست (زوریخ) بود و در تدارک معاملات تجاری برای شرکت، کمک می‌کرد. نامبرده همچنین هزینه‌های تاوسیس و سایر هزینه‌های نورت وست (زوریخ) را به طور علی الحساب پرداخت کرد.

۸ - کارلسون می‌گوید که در عین حال وظایف عاجل وی عبارت بود از افزایش کارآیی و تجدید سازمان گروه صنعتی از حیث ساخت سرمایه‌ای و مالی. انجام این کار ضرورت داشت تا شرکت بتواند سهام خود را در بورس اوراق بهادار تهران وارد کند و قوانین جدیدی را که در ایران تصویب شده و مشارکت عامه را در مالکیت شرکتها بزرگ الزامی ساخته بود، مرعی دارد. در مارس ۱۹۷۷، پس از آنکه سهام گروه

صنعتی رسمایه" برای خرید و فروش در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شد، تجدید سرمایه مورد نظر به موقع اجرا کذاشته شد. بنا به گفته کارلسون، متعاقب تجدید سرمایه گروه صنعتی، مالکیت وی در گروه از ۱۶۰،۰۰۰ سهم اولیه (که ۸۰،۰۰۰ آن به نام نورت وست (زوریخ) و ۸۰،۰۰۰ به نام گرافتون ثبت شده بود)، افزایش یافت. افزایش مزبور در دو مرحله صورت گرفت و منجر به ازدیاد سهام از تعداد ۴۰۰،۰۰۰ سهم به ۶۰۰،۰۰۰ سهم در اوایل سال ۱۹۷۸ گردید. از این تعداد ۳۰۰،۰۰۰ سهم، ۳۰۰،۰۰۰ سهم به نام نورت وست (زوریخ) و ۳۰۰،۰۰۰ سهم به نام گرافتون ثبت شد. این دو دسته سهم معادل بیست درصد سهام شرکت بود. با این تجدید سرمایه، سرمایه گروه صنعتی به سه میلیارد ریال رسید.

۹ - دکتر ارتمان و کارلسون در سال ۱۹۷۷ رسمایه" قرارداد اعتبار [وام] را تنظیم کردند. کارلسون می‌گوید که در ماه مه آن سال وی برایی به مبلغ ده میلیون دلار پذیرفت و توافقنامه‌ای شامل شروط و ترتیبات اعتباری که در سال ۱۹۷۵ مورد مذاکره واقع شده بود، منعقد نمود. وام پرداختی برای سرمایه‌گذاری در سهام گروه صنعتی و سایر شرکتهای وابسته به آن، بدون بهره و در پایان سال ۱۹۸۴ قابل پرداخت بود، لکن دکتر ارتمان این حق را برای خود محفوظ داشت که در هر زمانی تا دهم دیماه ۱۳۶۳ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۴] فروش سهام و پرداخت کل مبلغ [وام] پرداختی، تا میزان ۱۰ میلیون دلار، به اضافه ۴۵ درصد سود حاصله از سرمایه را در هنگام فروش درخواست نماید. در توافقنامه پیش‌بینی شده بود که کارلسون با تدارک تضمین‌نامه‌هایی، که اطمینان دهد گروه صنعتی تمام سهام ایرانی مکتبه را به قیمت اسمی باخرید خواهد نمود، مبالغ پرداختی را تضمین کند. حقوق و تعهدات مندرج در این توافقنامه‌ها تا دهم دیماه ۱۳۶۳ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۴] قابل اجرا بود.

۱۰ - کارلسون می‌گوید که در آوریل ۱۹۷۸، دو فقره موافقنامه امنی، یکی بین او و نورت وست (زوریخ) و دیگری بین شرکت اخیرالذکر و گرافتون امضا شد. کارلسون

توضیح می‌دهد که این دو فقره موافقتنامه ضرورت داشت زیرا، دو شرکت سرمایه‌گذار، که حداقل سرمایه را داشتند، نمی‌توانستند سهام گروه صنعتی را در ترازنامه‌های خود نشان دهند مگر آنکه سرمایه خود را افزایش می‌دادند، که این نیز منجر به افزایش بار مالیاتی می‌شد. در موافقتنامه اول مقرر شده بود که نورت وست (зорیخ) در مقابل دریافت یک فرانک سویس، کلیه ۶۰۰،۰۰۰ سهم مکتبه در گروه صنعتی و چند هزار سهم دیگر در شرکتهای وابسته را به نیابت از کارلسون نگهدارد و کلیه دستورات وی را در ارتباط با آن سهام اجرا نماید. در موافقتنامه جداکانه‌ای، گرفتون نیز به همین نحو قبول کرد که در مقابل دریافت یک لیره انگلیس، تعداد ۳۰۰،۰۰۰ سهم در گروه صنعتی را به عنوان نماینده نورت وست (зорیخ) نگهداری کند.

۱۱ - کارلسون اظهار می‌دارد که در طول سال ۱۹۷۹، سهامی که از طریق نورت وست (зорیخ) و گرفتون در گروه صنعتی در اختیار وی بود به علت اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران مصادره گردید. وی استدلال می‌کند که در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۸ [۲۳ ژوئن ۱۹۷۹] وزارت صنایع و معادن ایران هیئت مدیره جدیدی برای گروه صنعتی و شرکتهای وابسته به آن منصوب کرد. حسب ادعا، این اقدام به موجب قانون مصوب ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] تحت عنوان لایحه قانونی مربوط به تعیین مدیر یا مدیران موقت برای سپرستی واحدهای تولیدی، صنعتی، تجاری، کشاورزی و خدماتی اعم از بخش عمومی و خصوصی صورت گرفت. سپس در دهم تیرماه ۱۳۵۸ [اول ژوئیه ۱۹۷۹] شورای انقلاب اسلامی قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران ("قانون حفاظت") را تصویب نمود که مقرر می‌داشت مؤسسات مختلف صنعتی به چهار گروه طبقه بندی شود. کارلسون اظهار می‌نماید که با قرار دادن گروه صنعتی در گروه ب مقرر شده بود که کلیه سهام متعلق به ۵۱ نفر نامبرده در قانون و خویشاوندان آنها توسط دولت مصادره شود. یکی از اشخاصی که نامشان در قانون حفاظت قید شده بود آقای رحیم متقی ایروانی بود

که با افراد خانواده خود علایق کنترل کننده‌ای در گروه صنعتی داشت. کارلسون اضافه می‌کند که در نتیجه سهام گروه صنعتی که به نام نورت وست (зорیخ) و گرافتون ثبت شده بود، در گروه ب منظور شد و بدون پرداخت غرامت توسط دولت ضبط گردید. ادله تقدیمی به دیوان شامل یک فقره اظهارنامه مالیاتی ایران است که توسط گروه صنعتی پس از خروج کارلسون از ایران تسليم شده و در آن سهام متعلق به نورت وست، گرافتون و اعضای خانواده ایروانی در گروه ب منظور شده است.

۱۲ - کارلسون در دادخواست خود که در تاریخ ۲۳ دیماه ۱۳۶۰ [۱۳ ژانویه ۱۹۸۲] ثبت شد مبلغ ۹۷۴،۷۸۴،۱۱ دلار خسارت بابت ارزش سهام خود در گروه صنعتی و شرکتهای وابسته به آن، که حسب ادعا توسط دولت ایران مصادره شده، مطالبه نمود. کارلسون به صورت دیگر، براساس تعهد ادعایی گروه صنعتی به بازخرید سهام بنحو مقرر در تضمین‌نامه‌های صادره برای نورت وست (зорیخ) در تاریخهای هفتم و پانزدهم اسفندماه ۱۳۵۶ [به ترتیب ۲۶ فوریه و ششم مارس ۱۹۷۸]، مبلغ ۹،۰۲۴،۱۳۴/- دلار مطالبه کرد. در تذکاریه رسیدگی کارلسون که در پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ [۲۵ آوریل ۱۹۸۸] به ثبت رسید، ادعا فقط برمبانی مصادره سهام تعقیب شد. برمبانی گزارش حسابرسی مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۵۸ [دوم ژوئیه ۱۹۷۹] کوپرز اند لیبراند، کارلسون میزان خواسته را به مبلغ ۰۲۰،۰۸۴،۳۹/- دلار افزایش داد که این مبلغ حسب ادعا معادل ارزش علایق کارلسون در گروه صنعتی و شرکتهای تابعه آن در مارس ۱۹۷۹ بود. کارلسون در لایحه معارض خود که در هشتم اسفندماه ۱۳۶۷ [۲۷ فوریه ۱۹۸۹] ثبت گردید، ارزیابی مندرج در گزارش آرتور اندرسون اند کامپنی را که حداقل بالغ بر ۳۲/۴ میلیون دلار می‌شد، به عنوان غرامتی که وی بابت مصادره بیست درصد علایق خود در گروه صنعتی مستحق آن است، اتخاذ کرد و با ملحوظ داشتن غرامت علایق خویش در شرکتهای وابسته جمعاً مبلغ ۶۴۹،۷۴۶،۳۲ دلار به عنوان خواسته مطالبه نمود.

۱۳ - کارلسون بر مبنای موافقنامه‌های امانی فیما بین خود و نورت وست (زوریخ) و بین نورت وست (زوریخ) و گرافتون که، حسب ادعا معتبر و لازم الاجرا بوده مالکیت انتفاعی سهام را به وی می‌داد، ادعای خود را به عنوان یک ادعای مستقیم طبق بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی اقامه نمود. در عین حال کارلسون به صورت دیگر براساس مالکیت سرمایه نورت وست (زوریخ) و گرافتون، دعوی خود را به عنوان یک ادعای غیر مستقیم طبق بند ۲ ماده هفت آن بیانیه طرح کرده است.

۱۴ - خوانده، گروه صنعتی، اظهار می‌کند که کارلسون بدوا^۱ و تا بعد از جلسه استماع مقدماتی ادعای خود را بر مبنای بند ۱ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی به عنوان ادعای مستقیم اقامه کرده و بنابراین از تعقیب ادعای غیر مستقیم ممنوع است. در این مورد خوانده به متن دادخواست و اظهارات وکیل کارلسون در جلسه استماع مقدماتی اشاره می‌کند. طبق این اظهارات، کارلسون ادعای خود را اصالتاً طبق بند ۱ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی مطرح کرده بود نه به نیابت از نورت وست (زوریخ). خوانده همچنین به بند ۲ دستور مورخ ۱۷ خردادماه ۱۳۶۳ [هفتم ژوئن ۱۹۸۴] استناد می‌کند که در آن دیوان اشعار داشته است: «خواهان ادعای خود را به عنوان ادعای مستقیم و نه ادعای غیر مستقیم بشرح مذکور در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی مطرح می‌کند». خوانده فرضیه‌های کارلسون درباره ادعای مستقیم و ادعای غیر مستقیم را با هم ناسازکار و درنتیجه جمع اضداد تلقی می‌کند.

۱۵ - گروه صنعتی احتجاج می‌کند که کارلسون بنا به جهات زیر برای اقامه دعوی مستقیم اهلیت [سمت] ندارد. اولاً، گروه صنعتی منکر آنست که کارلسون مالک انتفاعی آنسته از سهام گروه صنعتی و شرکتهای تابعه آنست که به نام نورت وست (زوریخ) و گرافتون ثبت شده است. استدلال گروه صنعتی اینست که موافقنامه‌های امانی که مبنای ادعای مستقیم کارلسون را تشکیل می‌دهد، صوری و فاقد اعتبار است. گروه صنعتی در تأیید این استدلال متذکر می‌شود که نورت وست (زوریخ)

حسب ادعا در تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۳۵۵ [دهم دسامبر ۱۹۷۶] تاسیس شده، در حالیکه کارلسون از سوی دیگر مدعی است که نورت وست (зорیخ) قبله" یعنی در سال ۱۹۷۵ سهامدار گروه صنعتی بوده است. علاوه بر این، گروه صنعتی اظهار می‌دارد که یکی از شرکتهای نامبرده در موافقنامه امانی مورخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۵۶ [ششم مارس ۱۹۷۸] بین کارلسون و نورت وست (зорیخ)، شرکت کائوچوک ملی است که طبق اظهار گروه صنعتی سهام آن تا ششم فروردین ماه ۱۳۵۷ [۲۶ مارس ۱۹۷۸] صادر نشده بود. از اینرو، نورت وست (зорیخ) نمی‌توانسته است وصول سهامی را که حتی صادر نشده بوده، تاعیید نماید. به عکس، سهام شرکتهایی مثل پارسی چاپ، کفش گنجه، جنرال رنگ و سرداخانه سام که نورت وست (зорیخ) در تاریخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۵۶ [ششم مارس ۱۹۷۸] سهامدار آنها بود، در موافقنامه امانی ذکر نشده است.

۱۶ - گروه صنعتی، "مضافا" می‌گوید به فرض اینکه قانون سویس حاکم بر اعتبار این موافقنامه‌های امانی باشد، مقررات قانون سویس در مورد نمایندگی شرکتها مستلزم آنست که دو نفر از مدیران شرکت با امضای موافقنامه‌ها مراتب را تاعیید کرده باشند. لکن، این موافقنامه‌ها فقط توسط دکتر ارتمان امضا شده است. امضای دیگر، که از آن کارلسون است نمی‌تواند امضای معتبر مدیر شرکت تلقی شود زیرا وی اصلتاً در مقام یک طرف قرارداد عمل کرده است. اگر وی به عنوان یک نفر مدیر هم اقدام می‌کرد، قوانین سویس را در مورد نمایندگی مضاعف نقض کرده بود.

۱۷ - گروه صنعتی، به علاوه استدلال می‌کند که اگر فرض شود قوانین سویس و انگلیس ناظر بر موافقنامه‌های امانی است، آن قوانین فقط در ارزیابی اعتبار موافقنامه‌ها بین اصیل و نماینده قابل اعمال است. لکن، قوانین سویس و انگلیس از لحاظ اجرای این موافقنامه‌ها نسبت به سهام صادر شده به وسیله شرکتهای ایرانی و ادعاهای مربوط به این سهام قابلیت اعمال ندارد. بنا به استدلال گروه صنعتی، طبق یک

قاعده پذیرفته شده تعارض قوانین، قانون حاکم بر رابطه بین سهامدار و شرکت، lex societatis یعنی قانون محل اقامت شرکت است. گروه صنعتی آنکاه معطوفاً به قوانین ایران، اظهار می‌دارد که لایحه اصلاحی قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۴۷ حاوی مقررات امری راجع به مالکیت و انتقال سهام با نام شرکتهای سهامی است. ماده ۴۰ این قانون مقرر می‌دارد که

انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضا کند.

در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضا انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود.

هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت رسیده و امضا شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

بنابراین، درصورتیکه معاملات سهام بدون رعایت الزامات ماده ۴۰ بین اشخاص صورت گیرد، قراردادهای مربوطه ممکن است بین طرفهای ذیربطر معتبر باشد، لیکن از لحاظ شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

۱۸ - گروه صنعتی همچنین اظهار می‌دارد که در قوانین ایران مالکیت انتفاعی سهام پذیرفته نشده و می‌گوید که قواعد آمره و صریح قانون تجارت ایران، که یک قانون خاص است نسبت به قانون مدنی ایران به عنوان قانون عام، مالکیت انتفاعی سهام را غیر ممکن ساخته و مطابق قوانین ایران، کلیه حقوق سهامداری متعلق به مالک قانونی سهام است. بنابراین، حسب استدلال گروه صنعتی، حتی اگر مالکیت انتفاعی ادعایی کارلسون نسبت به سهام ثبت شده به نام نورت وست (зорیخ) و گرافتون ثابت شود، هرگونه قرارداد بین مالک قانونی سهام و شخص دیگر که خلاف مقررات

قانون تجارت باشد نمی‌تواند نسبت به شرکت و اشخاص ثالث معتبر و نافذ تلقی شود. علاوه براین، گروه صنعتی می‌گوید که در اساسنامه آن و نیز در متن کلیه اوراق سهام صادر شده برای نورت وست (зорیخ) و گرافتون قید شده که حقوق و تعهدات هر سهامی متعلق به مالک همان سهم است. بنابراین، هم طبق قوانین ایران و هم طبق اساسنامه گروه صنعتی، کارلسون مالک ادعا نیست.

۱۹ - گروه صنعتی مضافاً "این استدلال دیگر را مطرح می‌سازد که بیانیه حل و فصل دعاوی ادعای غیر مستقیم را فقط در مفهوم خاص بند ۲ ماده هفت مجاز دانسته است. طبق این بند، مالک ادعای غیر مستقیم فقط در صورتی می‌تواند طرح دعوی کند که بتواند مالکیت خود بر سهام یک شخص حقوقی را که در کنترل دارد و [آن شخص حقوقی] مالک مستقیم دعواست ثابت کند.

۲۰ - گروه صنعتی، به اظهارات کارلسون راجع به خرید سهام در گروه صنعتی و ترتیبات متخذه برای پرداخت وجه آنها ایراد می‌گیرد. گروه صنعتی مدعی است که وام ده میلیون دلاری و ترتیبات اعتبار طوری ساخته و پرداخته شده تا رقم ده میلیون دلار با ارزش اسمی سهام قید شده در موافقنامه‌های امنی مطابقت کند. از طریق این ترتیبات، یک ادعای غیر امریکایی به عنوان ادعای تبعه ایالات متحده نزد دیوان تعریف شده است. از نظر گروه صنعتی، نورت وست (зорیخ) و گرافتون تحت کنترل آقای ایروانی بوده‌اند. گروه صنعتی در تأیید اظهارات خود خاطر نشان می‌سازد که قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی ایران که در سال ۱۹۷۵ تصویب شد کلیه شرکتهایی را که میزان فروش آنها از رقم معینی تجاوز می‌کرد، ملزم می‌ساخت که تا میزان ۴۹ درصد سهام از خود را از طریق سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی و شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران به کارگران خود و سایر افراد واکذار کنند. لیکن این قانون حداقل تا پیست درصد سهام متعلق به شرکتهای خارجی را از این الزام مستثنی کرده بود. گروه صنعتی استدلال می‌کند که آقای

ایروانی به همین جهت تصمیم گرفت سهام گروه صنعتی و شرکتهای تابعه آن را به نام شرکتهای خارجی، که خود مالک آنها بود، صادر نماید.

۲۱ - گروه صنعتی در این خصوص ادعا می‌کند که آقای ایروانی در خارج از ایران تعدادی شرکت را که هر یک سهامی در گروه صنعتی یا شرکتهای وابسته به آن داشتند، کنترل می‌کرد و اظهار می‌دارد که این شرکتها منجمله عبارت بودند از ساوهی اینوستمنت و تنری اینوستمنت هولдинگ که هر دو در سویس تأسیس یافته بودند، وسترن اکسپورت - ایمپورت و ترانس آکسیال، که هر دو در آلمان غربی تأسیس شده بودند، و گرافتون اکسپورت که در انگلیس تشکیل یافته بود. گروه صنعتی ادله و مدارکی ارائه نموده حاکی از اینکه دکتر ارتمان به عنوان نماینده آقای ایروانی در هیأتهای مدیره تعدادی شرکت اروپایی انجام وظیفه می‌کرده است. گروه صنعتی در تائید این اظهار که آقای ایروانی موئس و مالک نورت وست (зорیخ) و سهام آن بود به تعدادی تلکس و نامه مضبوط در پرونده استناد می‌کند مشعر براینکه پرداخت هزینه‌ها و حق‌الزحمه تأسیس نورت وست (зорیخ) و اجاره محل آن در زوریخ و برخی پرداختهای مربوط به آن شرکت، بعد از درخواست تصویب یا کسب دستور از آقای ایروانی انجام شده است.

۲۲ - گروه صنعتی صحت وام ده میلیون دلاری از دکتر ارتمان و شرکای وام دهنده وی به کارلسون را مورد تعرض قرار می‌دهد. گروه صنعتی اظهار می‌دارد که مشکل بتوان باور کرد آقای کارلسون که کارشناس مالی و دکتر ارتمان که بازرگان موفقی بوده‌اند، لازم ندیده‌اند که برای مبلغ ده میلیون دلار قبله "یک قرارداد کتبی وام منعقد و در آن شرایط وام را معین نمایند. هرچند کارلسون اذعان دارد که وی با صرف $\frac{2}{3}$ میلیون دلار برای بیست درصد از سهام صادر شده گروه صنعتی در سال ۱۹۷۵، شروع به استفاده از اعتبار نمود، لکن در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [۱۱ مه ۱۹۷۷]، یعنی پس از صرف حدوداً ۵ میلیون دلار از محل اعتبار بود

که کارلسون سفته‌ای به مبلغ ده میلیون دلار به دکتر ارتمان داد. «مضافاً»، گروه صنعتی به این اظهار کارلسون ایراد می‌گیرد که او خود شخصاً مبالغ وام را دریافت نمی‌کرده، بلکه از دکتر ارتمان درخواست می‌کرده وجوه لازم را به حساب آقای ایروانی واریز کند. گروه صنعتی می‌گوید دلیلی بر اینکه این وجوه را چه کسی، به چه منظور و به چه کسی پرداخت کرده است وجود ندارد.

۲۲ - گروه صنعتی همچنین به این اظهار کارلسون که نورت وست (зорیخ) و گرافتون از طریق افزایش سرمایه گروه صنعتی سهامدار شدند ایراد می‌گیرد. گروه صنعتی استدلال می‌کند که در هنگام اولین افزایش سرمایه که در سال ۱۹۷۵ صورت گرفت، سرمایه گروه از ۸۰۰ میلیون ریال به ۹۶۰ میلیون ریال افزایش یافت و در اجرای قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تمامی مبلغ افزوده به سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی و شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران تخصیص داده شد. دومین افزایش از رقم ۹۶۰ میلیون ریال به ۲۰۰۰ میلیون ریال در سال ۱۹۷۷ انجام شد. تمامی مبلغ افزایش سرمایه از طریق تبدیل حساب بستانکار آقای ایروانی به سهام تأمین گردید. سهام مزبور، حسب ادعاه، به نام آقای ایروانی صادر شد. سومین افزایش سرمایه از رقم ۲۰۰۰ میلیون ریال به ۳۰۰۰ میلیون ریال در طول ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۷۷ به وقوع پیوست. گروه صنعتی می‌گوید که مبلغ ششصد میلیون ریال از طریق تبدیل حساب بستانکار آقای ایروانی تأمین شد و بر آن اساس، به همان نسبت سهام جدید به نام آقای ایروانی صادر گردید. گروه صنعتی اظهار می‌دارد که مبلغ چهارصد میلیون ریال باقیمانده نقداً توسط سهامداران دیگر پرداخت شد. گروه صنعتی، «مضافاً» استدلال می‌کند که این ادعای خواهان که نورت وست (зорیخ) و گرافتون از طریق افزایش سرمایه سهامدار شده‌اند، با سوابق شرکت، مانند صورتجلسات مجامع عمومی سهامداران و هیئت مدیره مباینت دارد.

۲۴ - خوانده، گروه صنعتی، استدلال می‌کند که کارلسون اهلیت طرح یک ادعای غیر مستقیم را نیز ندارد زیرا ثابت نکرده است که از تاریخ بروز ادعا یعنی دوم تیرماه ۱۳۵۸ [۲۳ ژوئن ۱۹۷۹] تا تاریخ انعقاد موافقنامه‌های الجزایر یعنی ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک بیش از ۵۰٪ سهام نورت وست (зорیخ) بوده است. گروه صنعتی با توجه به اینکه گواهی سهام نورت وست (зорیخ) تماماً بی‌نام بوده می‌گوید مطلبی که پیت ماریک حسابدار کارلسون اظهار نموده مبنی بر اینکه کارلسون طی سالهای ۱۹۷۷ تا پایان ۱۹۸۶ مالک منحصر به فرد نورت وست (зорیخ) بوده است بسیار کلی بوده و مبتنی بر هیچ دلیل و مدرکی نیست. گروه صنعتی همچنین استدلال می‌کند که دو فقره شهادتنامه دکتر راینهارت که برای اثبات مالکیت مورد استناد کارلسون قرار گرفته است، مغایر یکدیگر بوده در واقع نشان می‌دهند که کارلسون در زمان موئثر مالک سهام بی‌نام نورت وست (зорیخ) نبوده است. گروه صنعتی به ویژه تائید می‌کند که دکتر راینهارت در گواهینامه مورخ ۱۱ آسفندماه ۱۳۵۹ [دوم مارس ۱۹۸۱] صریحاً اعلام کرده که در آن تاریخ سهامداران نورت وست (зорیخ) عبارت از افراد نامبرده زیر بوده‌اند:

روی بی. آم. کارلسون، آتلانتا
آلوبن کونز، ماور)
اینگبورگ نورمن - کسلر، فرائن فلد)

دکتر. لوئار ارتمن، کرفلد)
دکتر. کلمنس گروشه، دوسلدورف)
دکتر. هلموت اشمیت، آسن)
اوتو کلوتسر، کلهفه)

۱۰ سهم سایرین

گروه صنعتی اعلام فوق را با اظهارات دکتر راینهارت مندرج در شهادتنامه مورخ

۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ [۱۹۸۳ مه ۱۹]، که حسب اظهار گروه صنعتی به منظور استفاده در دعوای مطروح نزد دیوان برای کارلسون تنظیم شده مقایسه می‌کند. دکتر راینهارت در این شهادتنامه اظهار داشته است "... علیرغم آنکه در پاره‌ای اوقات برخی از سهام (نورت وست) در اختیار اشخاص دیگری بوده که آنها را به نیابت از آقای کارلسون نگهمیداشته‌اند"، به عقیده وی آقای کارلسون تنها مالک انتفاعی کلیه سهام صادره و موجود نورت وست (зорیخ) از آغاز تأسیس آن بوده است. گروه صنعتی برای اثبات اینکه گواهینامه مورخ ۱۹۸۱ مدرکی است که با واقعیات مطابقت دارد به دو گروه ادله مستند همزمان استناد می‌کند. این ادله عبارتند از تلکسی که در ۱۶ دیماه ۱۳۵۹ [ششم ژانویه ۱۹۸۱] به حاجی آقا شالچیان مخابره شده و یک سلسله نامه که آقای ایروانی در مارس و آوریل ۱۹۷۸ به مقامات ایرانی ارسال داشته و در آنها نام سایر افراد، همراه با نام آقای کارلسون به عنوان صاحبان سهام نورت وست (зорیخ) ذکر شده است.

۲۵ - خوانده، گروه صنعتی، همچنین استدلال می‌کند که کارلسون بایستی سوابق ثبتی مربوط به شرکت نورت وست (зорیخ) مانند صورتجلسات سهامداران آن را به دیوان ارائه می‌داد. گروه صنعتی اظهار می‌دارد که این مدارک هویت سهامداران نورت وست (зорیخ) را در دوره زمانی موئزی از تاریخ بروز ادعا تا به اجرا در آمدن موافقنامه‌های الجزایر در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مشخص می‌کرد.

۲۶ - خواندگان در پاسخ به ادعای سلب مالکیت اظهار می‌دارند که فقط سهام متعلق به آقای ایروانی و خانواده بلافضل وی مصادره شده است. به علاوه گروه صنعتی به اسنادی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد فقط پنج نفر از هشت عضو هیئت مدیره گروه صنعتی از طرف وزارت صنایع و معادن به عنوان سهامدار اکثریت و جایگزین خانواده ایروانی منصوب شده‌اند. گروه صنعتی اظهار می‌دارد که سهام نورت وست (зорیخ) و گرافتون مصادره نشده است و در تأیید این اظهار به مکاتبات بین نورت

وست (зорیخ) و گروه صنعتی اشاره می‌کند که در آنها نورت وست (зорیخ) تا اواخر سال ۱۹۸۱ اطلاعاتی ازجمله صورتهای مالی گروه صنعتی را درخواست و دریافت نموده است. کوشش نورت وست (зорیخ) و گرافتون برای اعمال حقوق خود تحت موافقنامه‌های بازخرید سهام در ۳۰ آذرماه ۱۳۶۰ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۱] به نظر خوانده نشانه دیگری است از این واقعیت که نورت وست (зорیخ) و گرافتون حداقل تا آن تاریخ خود را مالک سهام گروه صنعتی می‌دانسته‌اند. خواندگان اظهار می‌دارند که از آن به بعد نیز سهام نورت وست (зорیخ) و گرافتون و همچنین سهام سایر سهامداران اقلیت کماکان دست نخورده باقی مانده است.

۲۷ - گروه صنعتی نه فقره ادعای متقابل جمعاً به مبلغ ۲۱۷،۳۲۵،۴۱۰/- ریال علیه کارلسون اقامه کرده است. این ادعاهای متقابل بابت اقلام زیر می‌باشند:

(۱) بدهی به شرکت کفش صنعتی به مبلغ ۲۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریال ناشی از مبالغی که حسب ادعا به کارلسون پرداخت شده است،

(۲) بدهی به کانون مشاوره اقتصادی به مبلغ ۶۰۰،۰۰۰/- ریال بابت هزینه خانه‌ای که در اختیار کارلسون گذارده شده بود،

(۳) بدهی به شرکت توسعه و خدمات به مبلغ ۵۲۴،۰۰۰/- ریال بابت هزینه‌های ثبت و واکذاری خانه به کارلسون،

(۴) بدهی به شرکت توسعه و خدمات به مبلغ ۶،۳۷۹،۸۶۲/- ریال بابت هزینه‌های ساختمانی مربوط به خانه کارلسون،

(۵) بدهی به شرکت توسعه و خدمات به مبلغ ۱،۶۵۵،۰۰۸/- ریال بابت

هزینه‌های شخصی و هزینه تحصیل فرزندان کارلسون،

(۶) بدهی به شرکت توسعه و خدمات به مبلغ ۳۶۳،۰۲۰ ریال بابت خرید لوازم برای خانه کارلسون،

(۷) بدهی به گروه صنعتی به مبلغ ۵۱۹،۵۲۰ ریال بابت خرید لوازم برای خانه کارلسون،

(۸) بدهی به شرکت کفش فارس به مبلغ ۱۶۵،۰۰۰ ریال بابت چک صادره در وجه کارلسون به همین مبلغ،

(۹) بدهی به گروه صنعتی به مبلغ ۲۸۴،۰۰۰ ریال بابت خرید لوازم برای خانه کارلسون.

سوم - أسباب موجه حكم

الف - صلاحیت

۲۸ - دیوان ابتدا اظهارات خوادگان را مبنی بر اینکه کارلسون باید ادعای خود را تنها به یک صورت یعنی یا مستقیم یا غیر مستقیم اقامه کند، مورد بررسی قرار می‌دهد. نظر به اینکه کارلسون بدوا "ادعای خود را منحصراً" به عنوان ادعای مستقیم مطرح و دیوان این مطلب را در دستور مورخ ۱۷ خردادماه ۱۳۶۳ [هفتم ژوئن ۱۹۸۴] قید کرده، خوادگان استدلال می‌کنند که کارلسون از اقامه ادعای خود به عنوان ادعای غیر مستقیم به تعریف مندرج در بند ۲ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی

ممنوع است. ولی دیوان متذکر می‌گردد که این مساعله به طوری که در دستورهای مورخ ۲۱ مردادماه ۱۳۶۵ [۱۲ اوت ۱۹۸۶] و دوم آبانماه ۱۳۶۵ [۲۴ اکتبر ۱۹۸۶] دیوان بیان شده قبله فیصله یافته است. دیوان طی دستور مورخ ۲۱ مردادماه ۱۳۶۵ [۱۲ اوت ۱۹۸۶] اشعار داشت که "خواهان مختار است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، صلاحیت دیوان نسبت به هر قسمت از ادعا را اثبات نماید". دیوان طی دستور مورخ دوم آبانماه ۱۳۶۵ [۲۴ اکتبر ۱۹۸۶] خود اشعار داشت که "خواهان باید دیوان را مقاعد سازد که برای رسیدگی نسبت به هر یک از اجزای ادعاییش صلاحیت دارد. خواهان مختار است که هر ادعا را به عنوان ادعای مستقیم یا غیر مستقیم مطرح سازد. هیچ نکته‌ای در دستورهای قبلی دیوان این حق را به هیچ نحو محدود نمی‌کند یا بر حق خوانده در طرح هر استدلالی که درباره این موضوع مقتضی بداند، تأثیر نمی‌گذارد". بنابراین، دیوان اینک تأثیر می‌کند که کارلسون می‌تواند ادعای خود را به هر یک از دو صورت مستقیم یا غیر مستقیم اقامه کند.

۲۹ - در مورد اینکه آیا گروه صنعتی از لحاظ احراز صلاحیت نسبت به این خوانده طبق مفاد بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی مشمول تعریف "ایران" می‌شود یا خیر اختلاف نظر وجود دارد. خواندگان اظهار می‌دارند که گروه صنعتی و شرکتهای وابسته به آن واحدهایی با شخصیت حقوقی و وضعیت جدایانه و مستقل می‌باشند. دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد گروه صنعتی منکر مسئولیت بوده به صلاحیت دیوان ایراد می‌کند.

۳۰ - با توجه به نتیجه‌گیری حاصل در این حکم (در بندهای ۴۲ و ۵۰ زیر) و همچنین نظر به اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران از ابتدا خوانده اصلی این پرونده بوده است، دیوان لازم نمی‌داند درباره این اختلاف که آیا ادعای علیه گروه صنعتی داخل در صلاحیت اوست یا نه، تصمیم بگیرد.

ب - ماهیت

الف) ادعای مستقیم

۳۱ - اکنون دیوان ادعای مستقیم کارلسون را که طبق بند ۱ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعوای اقامه شده و مبتنی بر مصادره علائق انتفاعی ادعایی وی در گروه صنعتی است مورد بررسی قرار می‌دهد. دیوان ابتدا شرایط استخدام ادعایی کارلسون در گروه صنعتی را بررسی می‌نماید. در مورد ترتیبات استخدامی آقای کارلسون دیوان دلیل کافی نیافته است. هرچند کارلسون موافقنامه‌های مالی مختلفی را که حسب ادعا در هنگام تصدی مدیریت عامل گروه صنعتی منعقد کرده نام بردۀ است، دیوان ملاحظه می‌کند که هیچ دلیل مستندی، غیر از دو نامه از حسابداران گروه صنعتی و یکی از آقای ایروانی در شرح حقوق پرداختی به کارلسون در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، در تأیید چنین موافقنامه‌هایی تسلیم نشده است. نخست اینکه هیچگونه قرارداد کتبی استخدامی موجود نبوده است. همچنین اسناد مثبته قابل اتكائی از آن زمان درباره ترتیباتی که به موجب آن قرار بود کارلسون وام بدون بهره‌ای تا میزان ده میلیون دلار به منظور خرید سهام گروه صنعتی و شرکتهای وابسته آن دریافت کند، وجود ندارد. فرصت سرمایه‌گذاری در گروه صنعتی یکی از مهمترین عناصر مجموعه حقوق و مزایایی بود که حسب ادعا به کارلسون داده می‌شد. معهذا تنها سند موجود در پرونده از آن زمان یک یادداشت دستنویس بدون امضا از دکتر ارتمان است که حسب ادعا مربوط به مذاکرات سال ۱۹۷۵ با کارلسون در تهران است. طبق این یادداشت مبلغ ده میلیون دلار اعتبار بدون بهره توسط گروه ارتمان برای تأمین وجه سرمایه‌گذاری در گروه صنعتی به کارلسون یا نورت وست (зорیخ) داده می‌شد و کارلسون در موقع فروش سهام، چهل و پنج درصد از هرگونه سود حاصل از سرمایه را به گروه ارتمان پرداخت می‌کرد. در یادداشت همچنین قید شده که کارلسون مسئولیت کامل سرمایه‌گذاریهایی را که از طریق نورت

وست (зорیخ) به عمل می آمد تقبل خواهد کرد. لیکن دیوان ملاحظه می کند که تاعسیس نورت وست (зорیخ) در دسامبر ۱۹۷۶ بوده است.

۳۲ - دکتر ارتمان همچنین در شهادت شفاهی خود به عنوان شاهد در جلسه استماع اظهار داشت که بین وی و سایر اعضای گروهی که ده میلیون دلار وام را دادند هیچ قرارداد کتبی وجود نداشته است. دکتر ارتمان مضافاً توضیح داد که در رویه معمول تجاری او چنین ترتیباتی معمولاً با فشردن دست انجام می شد و روی کاغذ نمی آمد. وی افزود که گروه وام دهنده جماعت مشتمل بر شش نفر بود از جمله خود وی و مادرش و یک بازرگان آلمانی بنام آقای اوتو کلوتسر که هنگام توافق درباره این وام مدیرعامل شرکت کفش گوستا و هومن یکی از سازندگان برجسته کفش بچگانه در اروپا بود. دکتر ارتمان از ابراز نام سه وام دهنده دیگر خودداری کرد و اظهار داشت که به عنوان یک مشاور مدیریت نمی تواند نام مشتریان خود را افشا نماید.

۳۳ - لوایح هر دو طرف و به ویژه شهادتname خود دکتر ارتمان به روشنی نشان می دهد که دکتر ارتمان شریک تجاری و همکار نزدیک آقای ایروانی بود و آقای ایروانی با هر دو شرکت نورت وست (зорیخ) و گرافتون پیوندهای مهمی داشت. دکتر ارتمان به عنوان مدیر نورت وست (зорیخ)، نورت وست (لوگزامبورگ) و ترانس اکسیال اکسپورت اند ایمپورت گ ام ب ها، که طبق اظهار خوانده در کنترل آقای ایروانی بود، خدمت کرده بود. آقای کارلسون اظهار داشته است که آقای ایروانی ترتیبات مخصوصی فراهم آورد تا دکتر ارتمان بتواند در جلسه مربوط به استخدام احتمالی کارلسون در گروه صنعتی حضور یابد و اینکه آقای ایروانی و دکتر ارتمان مجموعه‌ای از حقوق و مزايا شامل ده میلیون دلار وام به وی پیشنهاد کردند. در پرونده همچنین تعدادی تلکس وجود دارد که مبین ارتباط مرتب بین دکتر ارتمان و آقای ایروانی درباره کارهای تجاری است.

۳۴ - دیوان همچنین براساس مدارک موجود در پرونده مقاعده گردیده که آقای ایروانی در تاوعیس نورت وست (зорیخ) دست داشت. تلکس‌هایی به تاریخ دسامبر ۱۹۷۶ (یعنی هنگامی که نورت وست زوریخ تاوعیس یافت) در پرونده وجود دارد که نشان می‌دهد دکتر ارتمان با آقای ایروانی درباره پرداخت هزینه‌های لازم برای تاوعیس شرکت نورت وست (зорیخ) مشورت کرد. در مورد گرافتون، که حسب ادعا تعدادی از سهام گروه صنعتی را به عنوان امین در اختیار داشت، مدارک موجود در پرونده نشان می‌دهد که گرافتون را یک شریک تجاری نزدیک آقای ایروانی به نام آقای بوسلاو مولر تاوعیس کرده بود. همچنین در پرونده مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد گرافتون بدوا" توسط آقای ایروانی تاوعیس شد از طریق "کانون مشاوره اقتصادی" که یک مؤسسه خیریه بود و برای اداره امور بیست فرزند خوانده آقای ایروانی که برای تحصیل به انگلستان اعزام شده بودند تشکیل یافته بود. هنگامی که کارلسون در ۱۹۷۵ به گروه صنعتی ملحق شد، ده درصد از سرمایه گروه متعلق به گرافتون بود و گرافتون ده درصد سرمایه از گروه صنعتی را که در سال ۱۹۷۸ معادل ۳۰۰،۰۰۰ سهم بود از طرف نورت وست (зорیخ) کماکان در دست داشت.

۳۵ - دکتر ارتمان در شهادت خود در جلسه استماع تائید کرد که وی ترتیبی داد که وجود لازم بابت سهام گروه صنعتی و شرکتها وابسته، که حسب ادعا برای کارلسون خریداری شده بود، به آقای ایروانی پرداخت گردد. قسمت اعظم این وجود از حساب دکتر ارتمان در بانک فونتوبل اندر کامپنی در زوریخ سویس به حسابهایی که حسب ادعا در کنترل آقای ایروانی یا اعضاء بلافصل خانواده وی بود واریز شد. باید افزود که صورتحسابهای بدھکار بانک فونتوبل نشان نمی‌دهد که این وجود می‌بایست به آقای ایروانی پرداخت شود ولی رسیدهایی در پرونده وجود دارد که به امضای آقای ایروانی بوده و مشعر است بر اینکه آقای ایروانی مبالغی را که طبق اظهار کارلسون برای خرید سهام لازم بود از طریق دکتر ارتمان دریافت کرده بود. در این رسیدها همچنین عبارت "در ارتباط با حساب سهام" مشاهده

می شود ولی دیوان ملاحظه می کند که در این صورتحسابها هیچگونه اطلاعاتی درباره بانک و حسابهایی که این وجهه از آنها ارسال شده وجود ندارد. بنابراین رسیدهای مذبور دلیل قاطع نیست بر اینکه وجهه پرداختی به ایروانی مربوط به خرید سهام گروه صنعتی برای کارلسون بوده است.

۳۶ - دیوان همچنین ملاحظه می کند که ترتیب وام در توافقنامه ای به تاریخ مه ۱۹۷۷ درج شده و در آن نامه شرایط اعتبار بین کارلسون و دکتر ارتمان تعیین گردیده است. انگیزه این توافقنامه ظاهراً نامه مورخ ۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۶ [۱۹ آوریل ۱۹۷۷] کارلسون به دکتر ارتمان بود که در آن کارلسون تقاضا کرده بود شروط توافق حاصله بین آنها در سال ۱۹۷۵ به صورت کتبی درآید. ولی ارتمان قبلاً در ۱۹۷۶ پرداخت وجه را حسب ادعا از طرف کارلسون بابت خرید سهام در گروه صنعتی و شرکتهای وابسته آغاز کرده بود. کارلسون وجبی بابت این سهام نپرداخته بود. دیوان براساس ادله مستند ملاحظه می کند که در مه ۱۹۷۷ کارلسون و ارتمان ترتیبات فیما بین خود را رسمیت دادند، ارتمان قبلاً وجهی بالغ بر ۵،۹۸۷،۳۰۵ دلار پرداخته بود. دیوان این پرداختهای اولیه را با این واقعیات قابل تطبیق نمی داند: اولاً "اینکه قرارداد وام تا مه ۱۹۷۷ رسمیت نیافته بود و ثانياً" در این تاریخ بود که ارتمان در نامه خود به کارلسون تمایل خود را برای پرداخت ده میلیون دلار اعلام کرد، هرچند که تقریباً شش میلیون دلار حسب ادعا قبلاً از طرف کارلسون پرداخت کرده بود. به علاوه دیوان ملاحظه می کند که کارلسون برای که طبق آن متعهد به بازپرداخت ده میلیون دلار می شد تا ماه مه ۱۹۷۷ امضاء نکرده بود. این برات که به زبان آلمانی و به عنوان "Wechsel" توصیف شده بعد از دهم دیماه ۱۳۶۳ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۴] به دکتر ارتمان قابل پرداخت می بود.

۳۷ - نقش مهمی که دکتر ارتمان در مدیریت معاملات مختلف بازارگانی گروه صنعتی و به

ویژه در مورد ترتیبات همکاری کارلسون با گروه صنعتی ایفا کرده با مطالبی که در جلسه استماع به عنوان شاهد اظهار کرد بیشتر تایید می‌شود. وی در پاسخ به سوالی از ناحیه دیوان اظهار داشت که کارلسون سهام خود در گروه صنعتی را بدون مشورت با وی نمی‌فروخت.

۳۸ - دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که فرصت استقرارض تا ده میلیون دلار نه تنها برای کارلسون، بلکه برای آقای ایروانی نیز سودمند بود. آقای ایروانی با این ترتیبات وام و خریدهای سهامی که حسب ادعا ترتیبات مذبور پشتواه آن بود می‌توانست ده میلیون دلار از سرمایه‌گذاریهای خود در گروه صنعتی را برای مصارف دیگری به کار برد. مسلماً این ترتیبات برای گروه وام دهنده‌ای که پیشاپنگ آنها دکتر ارتمان بود نیز فایده داشت. این گروه چهل و پنج درصد هر نوع سود حاصل از سرمایه را دریافت می‌کرد و در آن زمان اقتصاد پر رونق ایران، احتمال بازده نسبتاً بزرگی را نوید می‌داد. تضمین‌نامه‌های بازخرید سهام نیز به گروه وام دهنده اطمینان می‌داد که در صورت عدم امکان فروش سهام به قیمت بالاتر حداقل عین مبلغ وام را باز خواهد یافت.

۳۹ - دکتر ارتمان در جلسه استماع همچنین اظهار داشت که بین گروه وام دهنده و کارلسون درباره ماحصل احتمالی این دعوى توافق حاصل شده است. آقای کارلسون در جلسه استماع توضیح داد که در ضمن جرح و تعديل قرارداد اولیه وام، بین او و گروه وام دهنده توافق شده است که از ماحصل دعوى مبلغ وام به علاوه هشت درصد بیهده متعلقه از تاریخ انعقاد قرارداد وام در ۱۹۷۶ تا تاریخ پرداخت مبلغ حکم، به گروه وام دهنده بازپرداخت شود. آقای کارلسون توضیح داد که در ۱۹۸۷ دعوایی برای حفظ منافع دکتر ارتمان در برات موصوف، در کالیفرنیا اقامه شد و آن دعوى نهایتاً توسط وکلای کارلسون و دکتر ارتمان به مصالحه انجامید. در مصالحه‌نامه مقرر گردید که کارلسون از شرط مرور زمان به طور نامحدود اعراض

کند، و در عین حال سعی شود که از طریق رسیدگی نزد این دیوان، وام مزبور بازپرداخت گردد. این مصالحه‌نامه تصریح می‌کند که دکتر ارتمان و گروه وام دهنده او در ماحصل این پرونده ذینفع می‌باشند. دیوان در سنجش اظهارات دکتر ارتمان این نفع را در نظر می‌گیرد.

۴۰- اینک به موضوع سهام گروه صنعتی که کارلسون ادعا می‌کند مالک انتفاعی آن است باز می‌گردیم. دیوان ملاحظه می‌کند که طرفین پرونده حاضر در این نکته توافق دارند که این سهام در دفتر ثبت سهام گروه صنعتی به نام نورت وست (зорیخ) و گرافتون ثبت بوده است. در این خصوص دیوان متذکر می‌گردد که چون گروه صنعتی و شرکت‌های وابسته به آن تحت قوانین ایران تاعسیس یافته‌اند هر نوع نقل و انتقال سهام تابع قوانین ایران است. رجوع شود به: ص ۲۱ حکم شماره ۱۳۶۵-۱۰۸۵۶/۱۰۸۵۴/۱۰۸۵۳-۲۸۲ آذرماه ۱۳۶۵ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۶] در پرونده یان مک هارگ و سایرین و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در (۱۳) Iran-U.S. C.T.R. 286, 302. ماده ۴۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۴۷ الزامات مربوط به اینگونه نقل و انتقالات را معین کرده و در بخش مربوط چنین مقرر می‌دارد. همچنین رجوع شود به بند ۱۷ فوق.

(۳) در پرونده مک هارگ سهامی در یک شرکت ایرانی حسب ادعا طی نامه‌ای به شرکت یا سهامداران آن منتقل شده بود. دیوان نظر داد که "باتوجه به اینکه دبليو آم آر تی / ایران در ایران تاعسیس شده و لذا انتقال سهام باید طبق قوانین ایران انجام گیرد، دیوان بر این نظر است که نامه [موصوف] برای اثبات اینکه ... سهام را قانوناً به شرکت یا به چهار سهامدار باقیمانده منتقل کرده، کافی نیست".

انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت
برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید
انتقال را در دفتر مزبور امضا کند..... هر انتقالی که بدون
رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث
فاقد اعتبار است.

با آنکه کارلسون اظهار می‌دارد که خرید سهام گروه صنعتی توسط وی از ۱۹۷۶
آغاز شده بود، هیچگونه انتقال سهامی از نورت وست (зорیخ) یا گرافتون به
کارلسون در دفتر ثبت سهام گروه صنعتی به ثبت نرسیده است. بطوریکه دفاتر گروه
صنعتی نشان می‌دهد، کارلسون در هیچ زمانی بر طبق مقررات امری ماده ۴۰
قانون تجارت اصلاحی ایران مالک قانونی این سهام نشده است.

۴۱ - نهایتاً دیوان ملاحظه می‌کند که موافقتنامه امامی، که در آن نورت وست (зорیخ)
وصول ۶۰۰،۰۰۰ سهم کارلسون در گروه صنعتی و سهام دیگری در شرکتهای
وابسته را اعلام می‌کند مورخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۵۶ [ششم مارس ۱۹۷۸] می‌باشد
حال آنکه خواهان می‌گوید که نورت وست (зорیخ) و گرافتون سهام خود در گروه
صنعتی را در ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ مستقیماً از آقای ایروانی گرفتند. از یک طرف،
وجود مغایرت در تاریخها و از طرف دیگر فقد هرگونه ذکری از موافقتنامه‌های
بازخرید سهام در صورتجلسات سهامداران گروه صنعتی، در وجود معامله‌ای که
کارلسون دعوای خود را براساس آن طرح کرده است ایجاد تردید می‌کند. این
تردیدها با توضیحات کارلسون در جلسه استماع چنانکه باید رفع نمی‌شود. طبق
توضیحات کارلسون قرار و مدار [وی] با آقای ایروانی و دکتر ارتمان بدان جهت در
سوابق و مدارک گروه صنعتی منعکس نشده بود که اکر نام کارلسون به عنوان مالک
بیش از ۱۰ درصد سهام گروه صنعتی ثبت می‌شد برای گروه صنعتی زیان آور بود
به این دلیل که ظاهراً طبق قوانین ایران، گروه صنعتی از پاره‌ای امتیازات
مالیاتی محروم می‌شد. همچنین کارلسون در جلسه استماع توضیح داد که این امر
در سهامداران محلی اثر خوبی نداشت و محرومیت از امتیازات مالیاتی برای آنها

قابل قبول نبود و از اینزو کارلسون سایر کارکنان گروه صنعتی را از قرار و مداری که وی حسب ادعا با آقای ایروانی و دکتر ارتمان گذاشته بود مطلع نکرد. در سوابق پرونده نیز هیچ صورتجلسه‌ای از مجامع سهامداران وجود ندارد که در آن اشاره‌ای به قرار و مدار مالی ادعایی کارلسون با آقای ایروانی شده باشد.

۴۲ - به طور خلاصه، به دلایل مندرج در بندهای ۳۱-۴۱ فوق دیوان نتیجه می‌گیرد که کارلسون از عهده اثبات وجود ترتیباتی که ادعای مستقیم خود را بر آن بنا می‌کند برآنیامده است. بنابراین ادعای مذبور باید به لحاظ فقد اهلیت تعقیب دعوی رد شود. براین اساس، دیوان نیازی به بررسی مابقی موضوعات مورد اختلاف در ارتباط با قانون حاکم و اعمال چنین قانونی ندارد.

ب) ادعای غیر مستقیم

۴۳ - کارلسون در عین حال به استناد مالکیت و کنترل ادعایی خود بر نورت وست (зорیخ) و گرافتون ادعای خود را به صورت غیر مستقیم طبق بند ۲ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعوای اقامه کرده است. این ماده در قسمت مربوطه می‌گوید:

""ادعاهای اتباع" ایران و یا ایالات متحده بر حسب مورد عبارت است از ادعاهایی که از تاریخ به وجود آمدن ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه مستمراً در اختیار اتباع آن کشور بوده‌اند، شامل ادعاهایی که به طور غیر مستقیم از طریق مالکیت سرمایه و یا سایر علایق مالی، در مورد اشخاص حقوقی، در مالکیت این اشخاص بوده‌اند مشروط بر اینکه منافع مالکیت چنین اتباعی، مجتمعاً در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن مشروط بر اینکه شرکت و یا شخص حقوقی خود در چهارچوب این بیانیه حق اقامه دعوا نداشته باشد".

بنابراین کارلسون باید ثابت کند که وی از تاریخ بروز ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹]

ژانویه ۱۹۸۱] یعنی تاریخ انعقاد بیانیه حل و فصل دعاوی شرکتهای مورد بحث را در کنترل داشته است. دیوان معتقد است که کارلسون از عهده اثبات این امر برآنیامده است.

۴۴ - کارلسون در تائیید مالکیت ادعایی خود بر نورت وست (зорیخ) به ویژه به شهادتنامه مورخ ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ [۱۹۸۳ مه دکتر کریستوفر راینهارت استناد می‌کند. دکتر راینهارت، که به عنوان وکیل دعاوی در شهر زوریخ شرکت نورت وست (зорیخ) را در سویس به ثبت رسانده، در شهادتنامه خود اظهار می‌دارد که "براساس اطلاعات شخصی و اسناد موجود... معتقدم که آقای کارلسون امروز و از آغاز امر تنها مالک انتفاعی کلیه سهام صادره و موجود شرکت نورت وست (зорیخ) اینوستمنت کورپوریشن بوده است، هرچند که برخی از سهام در پاره‌ای اوقات در اختیار اشخاص دیگری بوده که آنها را به نیابت از آقای کارلسون نگه‌نمی‌داشته‌اند"، لیکن دیوان ملاحظه می‌کند که دکتر راینهارت نسخ هیچیک از مدارکی را که بنا به اظهار وی موئید نتیجه‌گیری او مبنی بر مالکیت انتفاعی کارلسون بر نورت وست (зорیخ) می‌باشد پیوست شهادتنامه خود نکرده است.

۴۵ - علاوه بر فقد مدارک موئید، به نظر می‌رسد که دکتر راینهارت درباره مالکیت نورت وست (зорیخ) مطالب ضد و نقیضی اظهار کرده است. دکتر راینهارت در یک گواهینامه قبلی به تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۹ [دوم مارس ۱۹۸۱] اعلام کرده که وی "... کاملاً" با امور و مسائل شرکت و اسناد و دفاتر و صورتجلسات شرکت آشنایی داشته و در تاریخ آن گواهینامه اشخاص زیر سهامداران شرکت بوده‌اند:

"روی بی. آم. کارلسون، آتلانتا)
آلین کونز، ماور)

اینگبورگ نورمن - کسلر، فراونفلد)

۵ سهم

دکتر. لوئار ارتمان، کرفلد)

دکتر. کلمنس گروشه، دوسلدورف)

دکتر. هلموت اشمیت، آسن)

۸۵ سهم

اوتو کلوتسر، کلهفه)

" ۱۰ سهم

سایرین

به علاوه، دکتر راینهارت در این گواهینامه سال ۱۹۸۱ اظهار داشته است که در مورد هویت سهامداران نورت وست (зорیخ) وی "اسناد تجاری مختلفی را که در اختیار [او] قرار گرفته و برای حصول اطمینان از صحت گواهی فوق ضروری می‌دانسته" بررسی کرده است. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که دکتر راینهارت، که در جلسه استماع به عنوان شاهد حضور یافت، صحت هر دو شهادتنامه خود را تأیید کرد و توضیح داد که گواهینامه سال ۱۹۸۱ صرفاً اشاره به "مالکیت دفتری" دارد نه مالکیت انتفاعی. معهذا این توضیح را که گواهینامه سال ۱۹۸۱ فقط مربوط به مالکیت دفتری است نمی‌توان دارای ارزش تعیین کننده دانست. این امر در مورد اظهارات دکتر ارتمان در جلسه استماع، مبنی بر اینکه گواهینامه سال ۱۹۸۱ به دلایل انسانی تهیه و تنظیم شده نیز صادق است. رجوع شود به بند ۴۸ زیر. دیوان مضافاً متذکر می‌گردد که ارزش اثباتی آن گواهینامه را که در مارس ۱۹۸۱ امضا شده و بنابراین نزدیک به تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ یعنی تاریخ انعقاد بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد، باید بیشتر از ارزش اثباتی شهادتنامه امضا شده در ۱۹۸۳ دانست. از اینرو به نظر می‌آید که کارلسون در مارس ۱۹۸۱ مالک قانونی فقط پنج سهم بی نام نورت وست (зорیخ) بوده است. به علاوه گواهی سال ۱۹۸۱ با برخی ادله دیگر که در بندهای ۴۷ و

۴۹ زیر بدانها اشاره شده، مطابقت دارد.

۴۶ - دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که کارلسون هیچیک از صورت جلسات سهامداران نورت وست (зорیخ) را که احتمالاً هویت سهامداران شرکت را روشن می‌کرد، به عنوان دلیل ارائه نکرده است. تنها دلیل مستندی که کارلسون تسلیم نموده عبارت است از یک سوگندنامه از حسابداران خود، موعسسه پیت ماریک، که در قسمت مربوط چنین می‌گوید:

پرونده‌های ما حاکی است که آقای کارلسون فرمیای گزارش اطلاعات مربوط به مالکیت انحصاری خود نسبت به نورت وست اینوستمنت کورپوریشن زوریخ، سویس را برای سالیان تقویمی ۱۹۷۷ تا پایان ۱۹۸۶ تسلیم کرده است.

ولی دیوان احساس می‌کند که این اظهارات فی‌نفسه نمی‌تواند به منزله دلیل معتبری برای اثبات مالکیت کارلسون بر نورت وست (зорیخ) باشد. در این اوضاع و احوال که به نظر می‌آید کارلسون نتوانسته است ادله موئید دیگری اقامه کند و از بابت فقد آنها توضیحی ارائه دهد، دیوان نتیجه معکوس می‌گیرد. رجوع شود به بند ۲۱ حکم شماره ۳۵۴-۱۰۴۲۷-۲ مورخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۶۶ [۱۶] مارس ۱۹۸۸] در پرونده کترین اف هیلت و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در . 18 Iran-U.S. C.T.R. 154,160

۴۷ - به علاوه، گروه صنعتی در مقام معارضه سه نامه مختلف و یک تلکس ارائه داده که حاکی است از اینکه کارلسون منافع مالکانه کنترل کننده‌ای در نورت وست (зорیخ) نداشته است. اول، تلکس مورخ ۱۶ دیماه ۱۳۵۹ [ششم ژانویه ۱۹۸۱] که دکتر ارتمان از طرف نورت وست (зорیخ) به حاجی آقا شالچیان مخابره کرده و بدین مضمون است:

پذینوسيله تاعيد مى شود که مدیرعامل شركت فوق الذكر آفای روی بي. ام. کارلسون می باشد که از سال ۱۹۷۶ تصدی این سمت را به عهده داشته است. طبق اطلاعات حاصله، سهامداران شركت گروهي از سرمایه‌گذاران نامبرده زیر می باشند:

دکتر. لوئار ارتمان، کرفلد
دکتر. کلمنس گروشه، دوسلدورف
دکتر. هلموت اشمیت، آسن
آفای اوتو کلوتسر، کلهفه.

کلیه اشخاص فوق الذکر اتباع آلمان و از بازرگانان برجسته در صنعت و تجارت آلمان و هر یک نماینده علیق گوناگونی می باشند.

دیوان ملاحظه می کند که نام این افراد در گواهینامه مورخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۹ [دوم مارس ۱۹۸۱] دکتر راینهارت به عنوان سهامداران عمدۀ نورت وست (зорیخ) نیز مشاهده می شود.

۴۸ - دکتر ارتمان در جلسه استماع اظهار داشت که این تلکس بنا بر ملاحظات انسانی مخابره شد زیرا آفای شالچیان به خاطر ارتباطی که بر حسب ادعا با یک شرکت امریکایی داشت در ایران مورد تهدید قرار گرفته بود. دکتر ارتمان اظهار داشت که به همین جهت از وی خواسته شده بود دلیلی ارائه دهد که نورت وست (зорیخ) متعلق به کارلسون نبوده است. اما دیوان ملاحظه می کند که دکتر ارتمان در پاسخ به سؤالی اظهار داشت که مندرجات تلکس "... خلاف واقع نبوده است". دکتر ارتمان افزود که چون اطلاع یافت منظور از تلکس کاملاً برآورده نشد، در اول اسفندماه ۱۳۵۹ [۲۰ فوریه ۱۹۸۱] اقدام به انعقاد دو قرارداد امنی شد. این قراردادها جزئی از ادلہ مستند این پرونده را تشکیل می دهند. به موجب یکی از این قراردادها کارلسون به عنوان "مودع" یک گواهینامه مشعر بر مالکیت پنجاه و یک سهم نورت وست (зорیخ) را به دکتر ارتمان به عنوان "امین" انتقال داد و به موجب

دیگری، یک گواهینامه مشعر بر مالکیت چهل و چهار سهم نورت وست (зорیخ) را به آقایان کلمنس گروشه، هلموت اشمیت، اوتو کلوتسر و کریس فیلاکتو و خانم یوهانا ارتمان به عنوان امنای مشترک واگذار کرد.

۴۹ - ادله مستند دیگری درباره هویت سهامداران نورت وست توسط گروه صنعتی تسلیم شده و مشتمل بر سه نامه است. نامه‌های مزبور که توسط آقای ایروانی از جانب گروه صنعتی امضاء شده خطاب به سازمان سرمایه‌گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران است در پاسخ به استفساری درباره هویت سهامداران نورت وست (зорیخ). در یکی از نامه‌ها که به تاریخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸] است آقای ایروانی اظهار داشته است که نورت وست (зорیخ) سه نفر سهامدار عمدۀ دارد، و در دو نامه دیگر به تاریخ آوریل ۱۹۷۸، سهامداران آن شرکت را چهار نفر به اسمی آقایان کلوتسر، ارتمان، راینهارت و کارلسون ذکر کرده است.

۵۰ - براساس کلیه ادله مستند و مطالبی که دکتر ارتمان در جلسه استماع اظهار داشته و با توجه به اینکه کارلسون ادله مستندی از قبیل صورتجلسات مجتمع نورت وست (зорیخ) را که قاعdetرا می‌بایست در اختیار وی باشد، تسلیم ننموده، دیوان معتقد است که کارلسون از تاریخ بروز ادعا تا تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حقوق مالکانه کنترل کننده در نورت وست (зорیخ) نداشته است. بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که کارلسون برای اقامه یک دعوی غیر مستقیم براساس حقوق مالکانه ادعایی خود در نورت وست (зорیخ) و گرافتون اهلیت ندارد و بر این مبنای ادعایی غیر مستقیم وی به لحاظ عدم صلاحیت مردود اعلام می‌شود.

۵۱ - همانطور که در بند ۴۲ فوق ذکر شد، کارلسون اهلیت تعقیب دعوی را

براساس ادعای مستقیم خود ندارد. ادعاهای متقابلی که براساس ادعای مستقیم کارلسون علیه وی اقامه شده به دلیل فقد صلاحیت مردود اعلام می‌شود زیرا از همان رویدادی که موضوع ادعای کارلسون را تشکیل دهد ناشی نمی‌شود. برای نمونه رجوع شود به صفحات ۱۴-۱۵ حکم شماره ۵۰-۴۰-۳ مورخ ۱۸ خردادماه ۱۳۶۲ [هشتم ژوئن ۱۹۸۳] در پرونده آران. یومروی و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران منتشره در Iran-U.S. C.T.R. 378,379 2. همچنین نظر به اینکه ادعای غیر مستقیم به لحاظ عدم صلاحیت رد می‌شود، به تبع، دعاوی متقابلی که گروه صنعتی اقامه کرده تا آنجا که مبتنی بر ادعای غیر مستقیم کارلسون است نیز به لحاظ عدم صلاحیت رد می‌شوند. برای نمونه رجوع شود به: صفحات ۴۲ و ۴۳ حکم جزئی شماره ۱۸۶-۳۰۲ مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۹ اوت ۱۹۸۵] در پرونده اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کورپوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در Iran-U.S. C.T.R. 10,38 9.

ج) هزینه‌ها

۵۲ - خوانده گروه صنعتی در لوایح خود از دیوان درخواست کرده است بابت هزینه‌های دفاع از دعوا حکمی به نفع وی صادر شود ولی شرح هزینه‌ها را تسلیم نکرده است. باتوجه به اوضاع و احوال پرونده، دیوان صدور حکمی به مبلغ ۱۵,۰۰۰/- دلار بابت هزینه‌های داوری به نفع گروه صنعتی را منطقی می‌داند.

چهارم - حکم

۵۳ - به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم می‌دهد:

الف) ادعای روی بی. آم. کارلسون علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و گروه صنعتی ملی به لحاظ فقد اهلیت و عدم صلاحیت رد می‌شود.

ب) ادعاهای متقابل گروه صنعتی ملی علیه روی بی. آم. کارلسون به لحاظ عدم صلاحیت رد می‌شوند.

ج) خواهان روی بی. آم. کارلسون متعهد است مبلغ ۱۵,۰۰۰ دلار امریکا بابت هزینه‌های داوری به خوانده گروه صنعتی ملی بپردازد.

لاهه، به تاریخ ۱۳۷۹/۰۱/۰۵ برابر با ۱۹۹۱

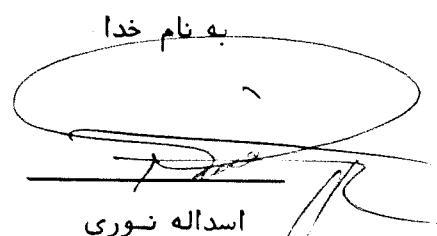
Bengt Broms

بنگت برومیس
رئیس شعبه یک



هوارد آم. هولتزمن

مخالفه جز در مورد پاراگراف ۲۸


به نام خدا
اسdaleh نوری